

شط خروشان پر شوکت! سیداحمد رضا خضری؛ تاریخ پژوهی از دیار گروس

سید محمد موسوی خو^۲

امید بهرامی نیا^۳

چکیده:

شناسایی، شناساندن و تجلیل از بزرگان فرهنگی و اندیشه‌گران هر خطّه از ایران زمین، روشن نگاه داشتن چراغ اندیشه و خرد و نیز عین تعمیق، تحکیم و پاسداشت فرهنگ آن خطّه، و به تبع ایران، است و در عصر پرشتاب کنونی، ضرورتی راهگشا، کارساز و انکارناپذیر است. دیار گروس که مشتمل بر بخش‌هایی از استان‌های زنجان، همدان و کردستان کنونی به مرکزیت شهر بیجار (البته پیش از تقسیم‌بندی استانی) بود، از مناطق مهم و برخوردار از غنای فرهنگی غرب کشور است و از سده دهم هجری، از خاندان گروس به عنوان خاندانی صاحب نفوذ و تأثیرگذار در تاریخ محلی ایران یاد شده است و بزرگمردانی از این خطّه در آسمان فرهنگ و سیاست ایران درخشیده‌اند. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر که معطوف به بررسی کارنامه و خدمات علمی و فرهنگی سیداحمد رضا خضری به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع اصلی کتابخانه‌ای می باشد، بیانگر این است که وی، استاد برجسته و نامدار دانشگاه تهران، در مقام یک چهره دانشگاهی تمام عیار و معلّمی نکته‌سنج که شخصیت و دانش‌اش همراستا و مکمل هم‌اند، در عین باور به بی‌عزلی ولایت اهل علم، به جدّیت در کلاس و پژوهش بسنده نکرده و در کنار تدریس و سخنرانی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی طراز اول داخل و خارج از کشور، به وقت ضرورت و به قدر ضرورت، ردای استادی نیز از تن درآورده و کوشیده است تا از رهگذر مساهمت در مدیریت محیط‌ها/عرصه‌های علمی و فرهنگی داخل و خارج از کشور، به تحکیم و ترسیخ جایگاه دانش و دانشوران در این دیار کمک و از این راه دین خود را به فرهنگ این کشور و اعتلای آن ادا کند.

کلیدواژه‌ها: گروس، دانشگاه، فرهنگ، سیداحمد رضا خضری.

^۱ - این عنوان، برگرفته از کتاب **شط شیرین پر شوکت** به کوشش میلاد عظیمی است.

^۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج.

^۳ - عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان.

مقدمه

گروس از قدمتی چندین هزارساله برخوردار و دارای آثار تاریخی شش و هفت هزارساله است. به استناد تپه‌های باستانی موجود در آن، می‌توان دریافت که این ناحیه از نظر اقتصادی در دوران باستان، حائز اهمیت فراوان بود. واژه گروس، در منابع تاریخی و جغرافیایی ایران، از دوره صفویه تاکنون ذکر شده است. از نظر جغرافیایی، این منطقه مشتمل بر بخش‌های شرقی و شمال‌شرقی استان کردستان کنونی است و شهرستان بیجار، مرکز آن به حساب می‌آید. این واژه، در ابتدا نام یکی از طوایف کرد طرفدار حکومت صفوی بود که بر آن منطقه اطلاق شده است. این طایفه، از زمان صفویه تا قاجار، بر منطقه گروس حکم می‌راندند. برخی از مورخان بر این باورند که طایفه گروس از اواخر قرن هفتم هجری قمری، حکومت این منطقه را بر عهده گرفته اند. (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۱: ۱۷۹/۱)

این منطقه، بین سه شهر زنجان، همدان و سنندج واقع شده (کوشا، ۱۳۸۴: ۴۳۵) و منطقه‌ای کوهستانی در امتداد سلسله‌جبال غربی ایران است که تقریباً یک‌سوم اراضی‌اش را نواحی کوهستانی تشکیل داده است. (همان، ۴۳). این خطّه، مراتع بسیار داشت و برای دامداری مکان مناسبی بود (کریمی، ۱۳۱۶: ۷۱). اهالی بومی این منطقه، مشتمل بر دو گروه/ نژاد ترک و کردند. دین مردم گروس، اعم از کرد و ترک، اسلام و مذهبشان، تشیع اثنی‌عشری است. زبان اهالی، کردی گروسی است، اما در بخش گرانی (حسن آباد و روستاهای اطراف) گویش ترکی نیز رواج دارد (همان، ۷۸ - ۸۰).

شهر بیجار در گذشته مرکز ولایت گروس بوده است. این شهرستان با مساحت ۵۳۵۰ کیلومترمربع، بزرگترین شهرستان استان کردستان و از غرب با شهرستان‌های دیواندره و سنندج، از جنوب با شهرستان قروه، از شمال‌شرقی با استان زنجان، از شمال‌غربی با استان آذربایجان‌غربی و از شرق با استان همدان همسایه است. بیجار، منطقه‌ای کوهستانی با آب و هوای سرد و خشک است. بیشتر مردم این شهرستان، به زبان کردی جنوبی و با لهجه گروسی سخن می‌گویند و درصد کمی از مردمانش زبانشان ترکی است که در عین حال به زبان کردی نیز مسلط‌اند و در تعاملات اجتماعی خود از آن بهره می‌گیرند. جمعیت این شهرستان، حدود نود هزار نفر است.

از منابع مختلف تاریخی و ادبی چنین برمی‌آید که از زمان‌های گذشته، رجال نامداری از این منطقه برخاسته‌اند و منشأ خدمات ارزنده‌ای بوده‌اند. در دوران معاصر نیز نامواران بسیاری از این دیار در مجامع مختلف علمی و مدیریتی درخشیده‌اند. این پژوهش، معطوف به معرفی و بررسی کارنامه فرهنگی و مدیریتی یکی از چهره‌های ماندگار این منطقه است.

پیشینه تحقیق

اگر چه در **ویکی‌پدیا** و یا سایت‌های مختلف، مطالبی به صورت پراکنده در مورد سیداحمدرضا خضری هست، ولی تاکنون تحقیق و یا پژوهشی مستند پیرامون جایگاه علمی و پژوهشی وی، نگاشته نشده و این نخستین تحقیق جامعی است که به این مهم می‌پردازد و پرده از زندگی و کارنامه‌اش برمی‌کشد و امیدوار است که اگر توان کشیدن این آب دریا را ندارد، بتواند به قدر تشنگی از آن بجشد.

زندگی‌نامه و نسب سیداحمدرضا خضری

وی در نهم مردادماه ۱۳۴۵ش در خانواده‌ای مذهبی و برخوردار از پیشینه فرهنگی قوی، در شهرستان بیجار، از توابع استان کردستان، دیده به جهان گشود. پدرش سیدسلیمان، مردی مؤمن، پارسا و دانشور و در میان اهالی منطقه به حمایت از نیازمندان، محرومان و مستضعفان نامور بود و با رأی ثاقب و فکر صائبش بسیاری از معضلات و گرفتاری‌های مردم آن ناحیه را با درایت و تدبیر حل می‌کرد. سید سلیمان، در مدارس دینی بیجار و همدان به تحصیل علوم دینی همّت گماشته بود. وی در آن ناحیه، افزون بر کار کشاورزی، همواره به تدریس و موعظه نیز اهتمام می‌ورزید و سرانجام پس از عمری گره‌گشایی از مشکلات خلق و ارشاد آنان، در شهریور ۱۳۵۶ش رخت اقامت از محنت‌خانه دنیا به بهجت‌سرای عقبی برد.

نسب سیدسلیمان، به سیدخضر می‌رسد که از سادات موسوی‌اند. بنا به منابع تاریخی، سادات موسوی، همراه با امام رضا(ع)، یا چندی پس از ولایت‌عهدی ایشان، راهی خراسان شدند و بعد از شهادت آن حضرت، در نواحی مختلف ایران پراکنده شدند و گروهی از آنان رو به دیار گروس نهادند. از جمله بازماندگان این شاخه از سادات موسوی، فردی به نام سیدخضر است که دارای مقامات عالی بود و به همین دلیل نامش بر جغرافیای ناحیه‌ای که در آنجا سکنا گزید، تأثیر نهاد؛ چنانکه در بین اهالی، محل سکونت و زیستگاه سید خضر، به کردی گروسی «هوز سید» و در ثبت اداری رسمی، «قاضی قوشچی» خوانده می‌شود. پس از درگذشت سیدخضر، اهالی آن منطقه، آرامگاهش را به زیارتگاهی مشهور تبدیل کردند. این امامزاده، در هشتم مرداد ۱۳۸۱ش با شماره ثبت ۵۹۱۶ به عنوان یکی از آثار ملی به ثبت رسیده است. نسب سادات خضری، به سلسله سادات موسوی می‌رسد و موسویان، ساداتی از نسل امام هفتم شیعیان، امام موسی کاظم(ع) اند که در کشورهای مختلف پراکنده شدند و شماری از آنان نیز رو به ایران نهادند.

علل مهاجرت سادات موسوی به ایران

عمده تلاش و تمرکز خلفای بنی‌عباس (۱۳۲ - ۶۵۶ق) درعین ادّعای برخورداری از شایستگی معنوی برای جلوس بر منصب خلافت و رهبری جهان اسلام، معطوف به کسب و تحکیم قدرت دنیوی با بهره‌گیری از منطق قدرت بود و در این راستا از همان ابتدا، درصدد قلع‌وقمع مخالفان خود و به‌ویژه سادات و شیعیان

برآمدند و اگر در پاره‌ای از مقاطع همچون دوران خلافت مأمون (حک: ۱۹۸ - ۲۱۸ق) و یا منتصر (حک: ۲۴۷ - ۲۴۸ق)، به ناچار اندکی انعطاف نشان داده و خنجر بی‌قرار آتش‌بار کین را به طور موقت، در نیام نهادند و از شدت فشار بر ائمه (ع) و سادات و شیعیان کاستند، با رفع موانع، دوباره بر همان رویکرد سختگیرانه پای فشردند. به‌عنوان نمونه: در عصر بعضی دیگر از خلفا همچون متوکل (حک: ۲۳۲ - ۲۴۷ق) نقاب از چهره واقعی خود برمی‌کشیدند و عرصه را به کلی بر آنان تنگ می‌کردند. عباسیان در ابتدا با پنهان کردن سیمای واقعی خود پشت نقاب شعار مبهم و چندپهلوی «الرضا من آل محمد»، توانستند از محبوبیت و مقبولیت فرزندان رسول خدا (ص) بهره بگیرند و امویان را از تخت قدرت به زیر بکشند؛ اما با تصاحب منصب خلافت، همان خط‌مشی حذفی خشن امویان را، با شدتی بیشتر، در پیش گرفتند و متحدان دوران مبارزه را یکی پس از دیگری از میان برداشتند و همین عامل موجب شد که سادات و شیعیان به مناطق حاشیه‌ای و دور از مرکز خلافت، مهاجرت کنند (مسکویه رازی، ۱۳۷۹: ۱۱۴/۴).

مأمون عباسی، از مادری ایرانی زاده شد و بنا بر مصالح وقت و با توجه به ساختار قدرت، به ایرانیان تکیه کرد و در گام بعد، امام رضا (ع) را به ولی‌عهدی برگزید و او را به مرو، تختگاه حکومتش، فراخواند. در پی این انتصاب و متعاقب عزیمت آن حضرت به خراسان، شمار زیادی از سادات موسوی نیز به ایران مهاجرت کردند (دینوری، ۱۳۶۸: ۴۰۱). پس از شهادت آن حضرت، این سادات در نقاط مختلف ایران پراکنده شدند و در فرصت‌های مناسب، علیه حاکمیت قیام کردند (مسعودی، بی‌تا: ۴۶۴/۳ - ۴۶۵). با روی کار آمدن متوکل، که در مقایسه با خلفای پیش از خود - از جمله مأمون، معتصم و واثق - دشمنی بیشتری با شیعیان و علویان داشت و اطرافیانش نیز بر زبانه‌های آتش کینش می‌دمیدند و پیوسته وی را از قیام علویان بیم می‌دادند و سعی می‌کردند که سادات را تبعید و یا زندان نمایند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۵۵/۷) علویان بیشتر در ایران پراکنده شدند و به مناطق مختلف، مهاجرت کردند.

از منابع تاریخی، چنین برمی‌آید که مردم نواحی مختلف ایران که به علویان پناه می‌دادند، از صمیم قلب، آنان را دوست داشتند و بر این اساس برخی به قیام‌هایشان می‌پیوستند و جان خود را در راه آرمان‌های آنان فدا می‌کردند؛ با این وصف، اختناق موجود و فشار و محدودیت‌های بیش از حد، امکان و توان نقش‌آفرینی بیشتر و کنشگری عملی را از سادات ستانده بود. گفتنی است که این خفقان و اعمال محدودیت، نتوانست مانع از ترسیخ نفوذ معنوی سادات در میان مردم و بدنه اجتماع شود و آنان به هر کجا که رو می‌نهادند، مقبولیتی ژرف پیدا می‌کردند و با توجه به وجود آیات و روایاتی دال بر لزوم تکریم سادات و محبت به ایشان، مردم برایشان احترام ویژه‌ای قائل بودند. در میان ساداتی که در مناطق مختلف ایران پراکنده شدند، برخی نیز رو به منطقه گروس نهادند. بدین‌گونه نیاکان سید احمد رضا خضری در این منطقه رحل اقامت افکندند و با اقبال و پذیرش باشندگان آنجا روبرو شدند.

سوابق تحصیلی

سیداحمدرضا خضری مقدمات علوم دینی و مذهبی را در دوران کودکی و نوجوانی در محضر پدر بزرگوارش آموخت و مراحل ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهش بیجار گذراند. آموزه‌های تربیتی پدری که گوی مردمی به چوگان فتوت و سخاوت از میدان دربروده بود و زیستن و بالیدن در شهری کم‌برخوردار چون بیجار، خضری جوان را رنج‌شناس و دردآشنا بار آورد و باعث شد که بعدها «تقلیل مرارت و تقریر حقیقت» را چون رسالتی انسانی سرلوحه زندگی‌اش قرار دهد (نک: ادامه همین پژوهش). او در ۱۳۶۲ش، به اخذ مدرک دیپلم نائل آمد و در کلیه مقاطع تحصیلی، دانش‌آموز ممتاز بود.

در همان سال، در نخستین آزمون سراسری دانشگاه‌ها پس از انقلاب فرهنگی، شرکت کرد و در رشته الهیات و معارف اسلامی در گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه تهران پذیرفته شد. بعد از انقلاب فرهنگی و متأثر از فضای انقلابی آن روز، گرایش‌های الهیات و معارف اسلامی، با اقبال بسیاری مواجه شد و افراد مستعد سعی داشتند که در این رشته ادامه تحصیل دهند. سیداحمدرضا دوره کارشناسی را در شهریور ۱۳۶۶ش به پایان رساند و در مهرماه همان سال، به عنوان نفر اول، در دوره کارشناسی‌ارشد همان رشته در دانشگاه تهران، پذیرفته شد. وی دوره مذکور را نیز در تیرماه ۱۳۶۹ش با رتبه ممتاز به پایان رساند. فرصت حضور در دانشکده الهیات دانشگاه تهران که یکی از نخستین و پرافتخارترین مراکز دانشگاهی ایران به شمار می‌رفت، وی را همنشین استادان نامدار این حوزه ساخت و بر خوان فضل و دانش‌شان نشست؛ از آن جمله شادروان دکتر نورالله کسایی بود که وی پایان نامه دوره کارشناسی‌ارشد خود را به راهنمایی ایشان و با عنوان «سلطه ترکان بر دستگاه خلافت عباسی» با نمره عالی، دفاع نمود. در شهریور ۱۳۶۹ش در مقطع دکتری تخصصی رشته تاریخ اسلام در دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شد و تحصیلات خود را در این مقطع در ۱۳۷۴ش به پایان رساند و از رساله دکتری‌اش با عنوان «علل و عوامل تجزیه خلافت عباسی» با نمره عالی دفاع کرد.

از اساتیدش در مدت تحصیل می‌توان به بزرگانی همچون: ابوالقاسم گرجی، عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب‌خویی، علیرضا فیض، نورالله کسایی، محمدباقر حجتی، محمدتقی دانش‌پژوه، فتح‌الله مجتبیایی، عبدالکریم سروش، اسماعیل حاکمی، جلیل تجلیل، ابوالقاسم اجتهادی، احمد بهشتی، مهدی محقق، احسان اشراقی، آذرتاش آذرنوش، غلامحسین ابراهیمی دینانی و محمد ابراهیم باستانی پاریزی اشاره کرد. از آنجا که شرف صحبت جانان خود شرف‌آفرین است و اینان هر کدام از بزرگان باهمت و صاحب‌فضل و فضیلت روزگار خود بودند، نشستن بر خوان فضل و دانش‌شان برای سیداحمدرضا خضری‌ای که «تمتع ز هر گوشه‌ای و ز هر خرمنی خوشه‌ای یافته» بود و در راه دانش‌اندوزی خستگی نمی‌شناخت و عمیقاً بر این باور بود و با آن نیز زیسته بود که «هیچ یاری مرد را در جهان به از علم نیست و علم بهتر از گنج؛ از بهر آنکه گنج ترا نگاه باید داشت و علم تو را نگاه دارد» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۷: ۸۱)، تمام اسباب کامکاری را جمع کرد و باعث شد که آثار دولتیاری بر صحایف احوالش درخشیدن بگیرد و ذاتش مستجمع کمالات نفسانی شود و بعدها که

خود نیز معلّمی/استادی را برگزید، چون می‌دانست که «هر که شیرینی فروشد، مشتری بر وی بجوشد» (سعدی، ۱۳۸۵: ۶۵۰) این خوان پر نعمت را برای شاگردانش گستراند و بی‌چشمداشت جوابی و بی‌انتظار پاداشی، از قند وجود و دانشش و سخنان شیرینی که در او با معنی دست در گردن یکدیگر زده بودند، به آنان نیز چشاند و حاصلش صدها دانش‌آموخته‌ای است که از خرمن فضلش خوشه چیدند و اینک در این دیار، به تأسی از استاد خود، دامن قناعت گرفته‌اند و حرص را گردن شکسته‌اند و به دنیا و شر و شورش آلوده نشده‌اند و معلّمی را و خلوت آرام و ساده این گوشه را برگزیده‌اند و سر زلف عروسان ادب شانه می‌کنند و بر غنای بوستان علم و فرهنگ این «شهر یاران و خاک مهربانان» می‌افزایند (نک: ادامه همین نوشتار).

سوابق آموزشی

سید احمد رضا خضری تدریس را ابتدا از مدارس تهران آغاز نمود. او که از استادش عبدالحسین زرین‌کوب آموخته بود «انسان اگر نتواند فرمانروای عالم شود، به هیچ شغلی جز معلّمی نباید سر فرود آورد» (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۴۷۰)، از همان نخستین سال تحصیل در دانشگاه، تدریس در مدارس منطقه هفت تهران را آغاز کرد و به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان همّت گماشت و پس از اتمام دوران کارشناسی‌ارشد نیز، به تدریس در دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی مشغول شد. پس از چند سال تدریس در تهران، بنا به درخواست رئیس مجتمع آموزش عالی زنجان، به طور موقت به آن مرکز آموزشی رفت. ابتدا گروه زبان و ادبیات فارسی و سپس دانشکده ادبیات و علوم انسانی را در آن مجتمع، راه‌اندازی کرد و در نهایت حاصل تلاشش، منجر به تأسیس دانشگاه زنجان شد.

خضری از بهمن ۱۳۷۴ش به استخدام دانشگاه تهران درآمد و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود را در گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران آغاز کرد و تاکنون نیز در همان گروه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترای تخصصی مشغول تدریس است. زمانی مرحوم باستانی پاریزی با اشاره به زنده‌یادان عبدالحسین زرین‌کوب، سید جعفر شهیدی و عباس زریاب‌خویی، این «دو لر و یک ترک» را «چراغ روشنی‌بخش» دانشکده ادبیات دانشگاه تهران خوانده بود (شهیدی، ۱۳۷۶: ۱۰۳) با توجه به تصریح شاگردان دکتر خضری به خوی نرم و دانش رفیع و دقت ژرفش در تدریس و نیز باعنایت به گستره وسیع پژوهشی و کارنامه علمی درخشان و تجارب مدیریتی گرانسنگ او (نک: ادامه همین پژوهش) می‌توان این «کرد بیجاری» (بخوانید گروسی) را نیز «چراغ فروزان» امروز دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران خواند. آوازه نیکنامی و نکته‌سنجی در معلّمی و شوق دانش‌گستری سید احمد رضا خضری، پایش را به دیگر مراکز علمی کشور باز کرد و از جمله دانشگاه‌هایی که وی در آن به تدریس پرداخته است می‌توان به: دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، جامعه المصطفی العالمیه، معارف اسلامی، تربیت‌مدرس، الزهراء، پیام‌نور، آزاد و بنیاد ایران‌شناسی اشاره نمود. حاصل تلاش وی در این دو دهه، پرورش ده‌ها استاد و پژوهشگر برجسته

است که هم‌اکنون در مراکز علمی و پژوهشی، به فعالیت مشغول‌اند. بنابراین، استادان مطرح در عرصه تاریخ و تمدن اسلامی در دانشگاه‌های سراسر کشور، در محضر ایشان تلمذ کرده‌اند.

وی در عین اعتقاد ژرف به بی‌عزلی ولایت اهل علم در مقایسه با اهل عمل که «عزلشان آمدنی است و رویدادنی» (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۴۶) اما با علم به یکی از «گرفتاری‌های بزرگ» جامعه ایرانی که حاکمیت مدیریتی و تصمیم‌گیری مهندسان و پزشکان در صحنه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است (سریع‌القول، ۱۳۸۶: ۱۶۷ - ۱۶۸) و نگران از پیامدهای منفی و خسارت‌بار این رویکرد به‌ویژه در عرصه فرهنگ، پس از سال‌ها تدریس درس تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در مقاطع سه‌گانه در دانشگاه‌های عدیده و راهنمایی و مشاوره و داوری پایان‌نامه‌ها و رساله‌های بسیار در این حوزه و به دلیل اشراف عمیق‌اش بر تاریخ هشتصدساله حکومت مسلمانان در اسپانیا و پیامدهای فرهنگی و تمدنی این حضور در آن کشور و نیز جهان غرب و مهم‌تر از همه با هدف بهره‌گیری از این پشتوانه گرانسنگ برای اعتلای نام ایران، از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸‌ش به عنوان رایزن فرهنگی ایران، عازم اسپانیا شد و با توجه به دلبستگی عمیقش به کشور زادگاهش و دغدغه همیشگی‌اش برای اعتلای نامش در همه‌جا، و نیز باورش به اینکه «وطن‌دوست کسی است که بکوشد ایران شایسته دوست‌داشتن شود» و در راستای عمل به نخستین لوازم وطن‌دوستی و ملت‌دوستی که کوتاهی نکردن در ادای وظایفی است که به عزت و حرمت ملت بینجامد (وفایی و فیروزیان، ۱۴۰۱: ۷۷ - ۷۸)، دست به اقداماتی بنیادین برای شناساندن ایران و فرهنگ غنی‌اش در آنجا زد و از جمله درخشان‌ترین میراث ماندگارش در این زمینه می‌توان به اقداماتی همچون: تأسیس بنیاد ایران‌شناسان اسپانیا، برگزاری دوره‌های مطالعاتی در باب ایران‌شناسی، تأسیس دوره‌های آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های اسپانیا، تدریس و معرفی تاریخ و هنر ایران در دانشگاه‌های اسپانیا اشاره کرد. او همزمان با این اقدامات عملی و اشتغالات اداری در اسپانیا، از پرداختن به رسالت اصلی‌اش که نویسندگی و فراگیری و فرادهی دانش است نیز غافل نشد و از آنجا که معنی و حاصل زندگی خود را در زیستن برای نوشتن و شاگردپروری یافته است (جهت اطلاع از آثار قلمی وی، نک: ادامه همین نوشتار) مستظهر به فراگیری اصولی زبان اسپانیولی، دست به نگارش کتاب **اسلام شیعی** بدین زبان زد. این اثر، به‌سرعت جای خود را در محافل فرهنگی اسپانیا باز کرد و به عنوان منبع درسی دانشگاه لیکناته این کشور برگزیده شد.

با پایان مأموریت اسپانیا و بازگشت به کشور، با توجه به سوابق علمی و پژوهشی درخشان و تجارب مدیریتی ارزنده، از ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰‌ش توأمان به سمت مشاور و مدیر حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه تهران برگزیده شد. سوابق درخشان و کارنامه پربار و مهم‌تر از همه تعاملات گسترده و پیشانی‌گشاده خضری با دوست و دشمن و پایبندی به آن، نه چنانکه خویشتن را خوار نماید و نه چنانکه ایشان را خوار دارد، و نیز وقار بی‌تکبر و فروتنی بی‌مذلتش (غزالی، ۱۴۰۳: ۱۱۱) در کنار سیطره اعتدال و آرامش بر رفتار و گفتار و نوشتارش، از دیدگان تیزبین حقوقدانی چون حسین سیمایی صراف در دولت چهاردهم با رویکرد «وفاق»،

پنهان نماند و بهتر آن دید که طی طریق در مسیر پرسنگلاخ وفاق را بی‌همرهی این «خضر» نکند و از توانمندی و آوازه نیک این استاد نامدار دانشگاه تهران برای پیشبرد این رویکرد انسانی و توسعه‌پسند آن هم در وزارتخانه‌ای به اهمیت علوم، تحقیقات و فناوری، بهره بگیرد و بر این اساس وی را به عنوان مشاور خود و مدیر کل حوزه وزارتی این وزارتخانه برگزید.

آداب خضری در کلاس درس از دیدگاه دانش‌آموختگان

دکتر سیداحمدرضا خضری گرچه درعمل ثابت کرده که مصداق اتم و اکمل «خجسته ذوفنونی رهنمونی/ که در هر فن بود چون مرد یک فن» است (منوچهری دامغانی، ۱۳۴۷: ۶۵) و بنابراین شایستگی تدریس هر درسی را در رشته تحصیلی‌اش دارد، اما پیوسته دروسی تدریس می‌کند که آمادگی و توانایی تدریس آن‌ها را به بهترین شیوه و در عالی‌ترین سطح دارد. او در تدریس، خوش‌صحت و نکته‌پرداز و مناسب‌یاب است و در عین اینکه خوب حرف می‌زند، جز حرف خوب هم بر زبان نمی‌راند و مطالب تاریخی را به چاشنی ذوق و حکایت و شعر می‌آراید. وی در عمل جدیت دارد و گفتار و کردارش با هم منطبق است. حسن خلق، تواضع و فروتنی از دیگر صفات ایشان در کلاس درس است. او از تدریس و دانش‌گستری خسته نمی‌شود و بر آن است که به تدریج و در فرآیندی آرام و با رعایت تمام ظرائف و پیچیدگی‌های این حوزه، خصائل پسندیده و گوهر خویشتنداری را در دانشجویانش پرورش دهد و پیوسته آنان را تشویق می‌کند که در زندگی شخصی و به‌ویژه در دانش‌اندوزی، اخلاص را سرلوحه کارهایشان قرار دهند. او در عین حال، در تنظیم و ارائه مطالب درسی، سطح کلاس و میزان بهره‌هوشی دانشجویان را در نظر می‌گیرد و مطالب درسی را به صورت منسجم و منطقی بیان و با یادآوری فضایل علم و عالمان، شاگردانش را به دانش و فرا گرفتن علم ترغیب می‌کند و در کلاس درس، خندان و گشاده‌رو است و با دانشجویان، با ملاطفت و مهربانی رفتار می‌کند. در تعلیم دانشجویان حریص است و در فهماندن مطالب، نهایت سعی و تلاش خود را به کار می‌گیرد. او در عین پایبندی به آموزه مهم کم‌گویی و گزیده‌گویی در راستای القای بهتر مطلب و جلوگیری از بروز ملال و خستگی در کلاس، از اندرز به شاگردان و عمل به رسالت اصلی یک دانشگاه خوب که آموختن فلسفه زندگی و پیچیدگی‌های شرایط زندگی انسانی به دانشجویان در راستای تلاش برای «تربیت انسانی بهتر برای جهانی بهتر» است یک‌دم غافل نمی‌شود و رسالت معلّمی‌اش را در این راه به خوبی پاس می‌دارد.

دکتر خضری، مسأله‌محور است و با دلایل محکم و بیانی شیوا، مباحث درس را تفهیم می‌کند و در هنگام تدریس، نظر مفید دانشجویان را قدر می‌داند و بر صدر می‌نشانند و با روی گشاده و سعه صدر، به سخنان

^۱ - هری لوئیس که بیش از سی سال استاد دانشگاه هاروارد و مدتی نیز رئیس این قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا بوده، در کتاب *نگاهی انتقادی به دانشگاه هاروارد* یادآور می‌شود که نهاد دانشگاه در مقام متولی آموزش مدرن، باید به دوره کارشناسی به عنوان بهترین فرصت برای شکل دادن به شخصیت و زندگی جوانان بنگرد و تمرکز و محور اصلی برنامه‌هایش تلاش برای ساختن «انسان‌های بهتر» از دانشجویان در راستای نیل به «جامعه‌ای بهتر» باشد (نک: لوئیس، ۱۳۹۶).

دانشجویان گوش می‌سپارد و چون در عرصه معلّمی آراسته به صفت مهم و ستوده «صبر» است و بر این اساس انتظار حصول نتیجه سریع و چیدن میوه نارسیده ندارد، هیچگاه شأن و جایگاه رفیع معلّمی و آوازه نیک خود را فرو نمی‌کاهد و بر این اساس از اشتباهات احتمالی دانشجویان، کریمانه می‌گذرد و نه خشمی و کینه‌ای نسبت به آنان به دل راه می‌دهد و نه میانشان تبعیض و تفاوت قائل می‌شود.

خضری، افزون بر آمادگی روحی و جسمی، پیوسته ظاهری آراسته دارد و در هنگام تدریس، باوقار و فروتن و خاشع است. او حتی به آهنگ صدایش در حین تدریس حساس است و بیهوده‌گویی بر زبان نمی‌راند و از صداها ی بلند و سوء رفتار دیگران نیز در کلاس درس جلوگیری می‌کند و چون از او پرسشی می‌شود، با مهربانی بدان پاسخ می‌گوید. وی نمونه یک استاد کامل است و همه دانشجویان پس از اتمام کلاس، به تسلّطش بر مطالب، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل تاریخی، شیوه تدریس و از همه مهم تر اخلاق نیکش، معترف‌اند؛ به عنوان نمونه به دیدگاه چند نفر از دانش‌آموختگان دانشگاه معارف اسلامی قم در رشته تاریخ و تمدن اسلامی که از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ ش در محضرش دانش آموخته‌اند اشاره می‌شود:

مهدی قهرمانی نظرش بر این است که «سیداحمد رضا خضری، از نظر اخلاقی با دانشجویان بسیار صمیمی و متواضع بودند و از نظر تدریس، شیوه بسیار خوبی داشتند. ابتدا موضوعات را بیان کرده و پس از کنفرانس دانشجویان، توضیحات تکمیلی را ارائه می‌کرد».

رجبعلی علیزاده تأکید می‌کند: «شیوه تدریس ایشان عالی است و علاوه بر تسلّط بر تاریخ اسلام و ایران اسلامی، اخلاق بسیار خوبی دارد».

مجید احمدی کچایی می‌افزاید: «قدرت حافظه بالا، سلیس و روان بودن بیان، احاطه بر مطالب، توجّه به مخاطب و اجازه مشارکت به او، تجربه زیاد و آشنایی به فرقه‌ها و تاریخ اسلام» از ویژگی‌های تدریس دکتر خضری است.

سیدروح‌الله پرهیزکاری یادآور می‌شود که «از ویژگی‌های سیداحمد رضا خضری، حافظه بسیار قوی و گستره وسیع محفوظات و اطلاعات ایشان است که موجب شده تدریسش بسیار پربار و غنی باشد. وی بر منابع کهن تاریخی و پژوهش‌های جدید اشراف کامل داشتند. از نظر اخلاقی، متواضع و مهربان است».

سوابق پژوهشی

به حکم «انّ آثارنا تدلّ علینا» می‌توان گفت که مطالعه و بررسی دقیق آثار قلمی سیداحمد رضا خضری مؤید و مبین این مهم است که او مورّخی امین و محقّقی دقیق و یک شخصیت دانشگاهی تمام‌عیار است که توأمان کلاس درس و پژوهش را مهم می‌بیند و از پرداختن به هر دوی آنها غافل نمی‌شود و به واقع و بی‌تظاهر، تمام وجود خود را به علم و قلم هدیه کرده و گشاده‌دستی علمی، شیوه تخلف‌ناپذیرش است و در این راه نه مرتکب کم‌فروشی و نه بدفروشی شده و عمر گرانبهایش را مصروف دانش‌اندوزی و دانش‌گستری

کرده و تقریباً تمام فعالیت‌های شخصی، اجتماعی و اداری‌اش با علم و تحقیق مرتبط‌اند. نکته‌سنجی و ژرفای تراوشات قلمی‌اش در نوع خود بی‌مانند است و در آنها موی به دونیم شکافته و بدون نشان دادن احساسات و گرایش‌های شخصی، بررسی‌های مدقّقانه داشته است.

او در این آثار، رسالت فرهنگی و اجتماعی خویش را به بهترین شکل به انجام رسانده و با نگاهی متوازن و همه‌جانبه‌نگر به تمدن اسلامی، بر آن بوده است تا کارنامه درخشان این دین، به‌ویژه در ادوار شکوه تمدنی‌اش، را بشناسد و آن را به خوبی به دیگران نیز بشناساند و نکته مهم و شایان توجه این است که در این راه، از هیچ حوزه‌ای غافل نمانده و ضمن پرداختن به موسیقی (خضری، ۱۳۹۳)، خوشنویسی (همو، ۱۳۹۰) و ریشه‌های شرقی هنر اسلامی (همو، ۱۳۹۱) و نقش آب در تکوین تمدن‌ها (همو، ۱۳۸۴)، با نگاهی تیزبین درصدد جبران ضعف تاریخ کلاسیک و نیز پژوهشگران این رشته در تمرکز بر فرادستان و بی‌توجهی به فرودستان غیرحکومتگری همچون زنان برآمده و نقش بی‌بدیل اینان را در بالندگی تمدن اسلامی کاویده (نک: همو، ۱۳۸۶) و گویی با پرداختن به این مهم و در پیش گرفتن این رویکرد سازنده و پررنگ کردن نقش زنان (به عنوان نیمی از سرمایه‌های جامعه انسانی) و نیز پاره‌ای از اقوام کم‌تردیده‌شده همچون کردان (نک: همو، ۱۴۳۳؛ همو، ۱۴۰۲) خواسته است تا با کشاندن حاشیه‌نشینان و محذوفان تاریخ و تمدن اسلامی به «متن»، همگان را به لزوم بهره‌گیری از جمیع توانایی‌ها و سرمایه‌های جوامع اسلامی برای نیل به شکوفایی و توسعه فراخواند و از مضرات و پیامدهای منفی رویکرد بخشی‌نگرانه و محروم ساختن تمدن اسلامی از بخشی از سرمایه‌های انسانی‌اش در طول تاریخ، پرده بری‌فکند.

او با دوری از نگاه ذات‌گرایانه به دین، از تطوّر تاریخی پدیده‌های انسانی غافل نشده و چشم بر انبساط تاریخی این دین نبسته و ضمن به رسمیت شناختن شمار بسیار فهم‌ها و تصوّرات و سبک‌های زندگی پدیدآمده در این فضای وسیع، که همگی نسبتی با اسلام داشته و بخشی از هویت متکثر و متنوعش به شمار می‌روند، در دام پیش‌فرض غیرتاریخی فرقه‌گرایی در اسلام نیفتاده و بر این اساس، تعلّق خاطر و ادای دینش به تشیع (به عنوان مثال، نک: همو، ۱۳۸۸؛ همو، ۱۳۸۹؛ همو، ۱۳۹۵) باعث ندیدن و تنقیص دیگر فرق اسلامی نشده و او را از پژوهش درباره آنان و تلاش برای ترسیخ و تحکیم وحدت اسلامی غافل نکرده است (نک: همو، ۱۳۸۴ الف).

در میان گستره وسیع حوزه‌های پژوهشی وی در تمدن اسلامی، می‌توان دغدغه اصلی و کانون محوری تمرکزش را مسأله بسیارمهم و در عین حال پرمناقشه و چالش‌برانگیز «علت‌یابی انحطاط تمدن اسلامی» معرفی کرد (به عنوان نمونه، نک: همو، ۱۳۹۳) و در تلاش برای این مهم، به نتایجی دست یافته که راهگشا و واقع‌بینانه به نظر می‌رسد و شایستگی این را دارد که در دنباله مباحثات تاریخی و فکری خود، به ادوار تاریک و دوران انحطاط هم نقبی بزند و در ایفای رسالت فرهنگی خود در این راه، به افکار عمومی داخل بسنده نکرده و کوشیده است تا با حضور در محافل علمی و فرهنگی دیگر کشورهای مسلمان، حسّاسیت فرهنگی دیگر

مسلمانان را نیز بدین امر مهم برانگیزد (همو، ۱۳۸۲؛ همو، ۱۳۹۰ الف). او در این حوزه نیز، نگاهی متوازن و فراگیر دارد و با احتراز از تحلیل تک‌علتی رویدادها/پدیده‌ها/اشخاص/روندهای تاریخی، از توجه به نقش بسیار مهم بستر عینی جوامع اسلامی و یا ظرفی که مظلوف دین در آنها ریخته شده، غافل نمانده و با به دست دادن و پررنگ کردن تأثیر ساختار اجتماعی بر محتوای فرهنگ، بر غنای مباحث مطرح در جامعه‌شناسی معرفت در تمدن اسلامی افزوده و آشکارا نشان داده است که فرهنگ دگرستیزی و خشونت‌پرور قبیله‌ای و نظام سلطانی برآمده از آن، چگونه در یک جامعه اسلامی، راه را بر بروز آموزه‌های مقوم عدالت کیفری، از جمله: کرامت ذاتی انسان، منع تعمیم جرم و ... بسته و زمینه انحطاط تمدن اسلامی را فراهم کرده است (نک: همو، ۱۳۹۸).

دکتر خضری با این کارنامه پربار - که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود - و گستردگی حوزه پژوهش و نگاه فراگیر، به خوبی توانست که مطالعه تاریخ را برای غیرتاریخدانان نیز لذتبخش کند و آنان را از بستر حال بکند و به کندوکاو در دنیایی دیگر ببرد و نسبت به زندگی و احوال خودشان آگاه‌ترشان کند و مهم‌تر از همه لذت تاریخ را، که پرتنوع‌ترین چشم‌انداز زندگی را به انسان عرضه می‌کند و پرده از سیمای راستینش در ادوار مختلف زمان برمی‌کشد، به همگان بشناساند.

الف) کتب

۱. تألیف

- ۱-۱. *علل و عوامل تجزیه خلافت عباسی*، انتشارات غدیر.
- ۱-۲. *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، انتشارات سمت.
- ۱-۳. *تاریخ تشیع (۱)*، انتشارات سمت.
- ۱-۴. *تاریخ تشیع (۲)*، انتشارات سمت.
- ۱-۵. *تشیع در تاریخ*، نشر معارف (وابسته به دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها).
- ۱-۶. *شناسان دانشگاه تهران*، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱-۷. *از جندی شاپور تا دانشگاه تهران: درآمدی بر تاریخ آموزش عالی در ایران*، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱-۸. *مجموعه مقالات همایش سیره پژوهی و سیره پژوهان*، پژوهشکده تاریخ اسلام.

- ۱ - ۱۰. *EL ISLAM SHII'*, MADRID ,2009.
- ۱ - ۱۱. *IRANOLOGIA II* , MADRID ,2009.
- ۱ - ۱۲. *Persia , Almuzara* , Madrid ,2011.

۲. ترجمه

۲- ۱. *تاریخ زنگیان در موصل و شام*، پژوهشکده تاریخ اسلام.

ب) مقالات

۱. خصائص امیرالمؤمنین، *ماهنامه کتاب ماه دین*، ویژه‌نامه امیرالمؤمنین، شماره ۳۷، آبان ۱۳۷۹ ش.
۲. سیاست و حکومت از دیدگاه ابوحنیفه، *مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی*، ۱۳۸۴ ش.
۳. علل همراهی و نقش زنان در قیام امام حسین (ع)، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۱۷۵.
۴. نظام حاکم بر بازارهای شبه‌جزیره در دو زمانه جاهلی و عصر نبوی، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۲.
۵. یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی، *مقالات و بررسیها*، شماره ۸۴، ۱۳۸۶ ش.
۶. یهود مدینه: جایگاه فرهنگی و تعاملات فرهنگی با عرب جاهلی و مسلمانان، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، شماره ۶۶، ۱۳۸۶ ش.
۷. بررسی تطبیقی زمینه و مراحل دستیابی امویان بر قدرت پس از اسلام، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۹، ۱۳۹۱ ش.
۸. نقش نهضت‌های علوی در تجزیه خلافت عباسی، *کیهان اندیشه*، شماره ۶۹، ۱۳۷۵ ش.
۹. نقش فساد و نابسامانی اداری در تجزیه خلافت عباسی، *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*، شماره ۱۵۶ - ۱۵۷، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. بحران وزارت و نقش ابن‌مقله، *مقالات و بررسیها*، شماره ۶۸، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۷، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. تحولات دیوان قضا و تأثیر آن بر وضعیّت و جایگاه قضات از اوایل خلافت عباسی تا تسلط آل‌بویه بر بغداد، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۱۰، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. حمودیان و تشیع در اندلس، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۳، ۱۳۸۹ ش.

۱۴. علل عدم گسترش و ناپایداری تشیع در اندلس از ابتدای ورود اسلام به اندلس تا پایان دوره بنی‌حمود، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۲۲، ۱۳۹۳ش.
۱۵. مقاومت محلی بربرهای شمال آفریقا و تأثیر آن بر سیر فتوحات مسلمانان در مغرب، *پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۳، ۱۳۹۰ش.
۱۶. بازخوانی سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مغرب، *تاریخ و فرهنگ*، شماره ۸۸، ۱۳۹۱ش.
۱۷. مزیدیان و نقش آنان در گسترش تمدن اسلامی، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۶، ۱۳۹۲ش.
۱۸. جایگاه موسیقی در دربار خلفای عصر اول عباسی، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.
۱۹. خوشنویسی در آغاز عصر صفوی، تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، شماره ۱، ۱۳۹۰ش.
۲۰. زریاب و نقش او در انتقال موسیقی و رسوم ایرانی به اسپانیای اسلامی، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۲، ۱۳۸۴ش.
۲۱. مروری بر تاریخ پزشکی در ایران، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، شماره ۳، ۱۳۷۲ش.
۲۲. نقش دانشگاه جندی‌شاپور در پیدایش پزشکی اسلامی، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، شماره ۵، ۱۳۷۳ش.
۲۳. نقش نورالدین زنگی در گسترش پزشکی در تمدن اسلامی، *تاریخ پزشکی*، شماره ۴، ۱۳۸۹ش.
۲۴. دور اماره اردلان فی الصراع الصفوی عثمانی، *مجله العلوم الانسانیة*، شماره ۱۹، ۱۴۳۳ق.
۲۵. سفر به سرزمین مناره‌ها، *دوماهنامه مدت*، شماره ۳۵، ۱۳۸۲ش.
۲۶. بازخوانی خاطرات حکمت، *دوماهنامه مدت*، شماره ۴۰، ۱۳۸۳ش.
۲۷. سفر به سرزمین شگفتی‌ها، *فصلنامه برگ فرهنگ*، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۴ش.
۲۸. سفر به سرزمین اژدها، *فصلنامه برگ فرهنگ*، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۵.
۲۹. مدخل الاغانی، *فرهنگ آثار*، انتشارات سروش، ۱۳۸۵.
۳۰. مدخل الاختصاص، *فرهنگ آثار*، انتشارات سروش، ۱۳۸۵ش.
۳۱. مدخل حاجب، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۱۲، ۱۳۸۷ش.
۳۲. مدخل ایاد، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۰، ۱۳۸۰ش.
۳۳. مدخل ایتاخ، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۰، ۱۳۸۰ش.
۳۴. مدخل بسرین ابی‌ارطاه، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۲، ۱۳۸۳ش.

۳۵. مدخل دیوان بیگی، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۱۸، ۱۳۹۲ش
۳۶. تاریخچه علم جغرافیا در اسلام، *کیهان فرهنگی*، شماره ۱۰۱، ۱۳۷۲ش.
۳۷. ترکنازی در بغداد، *کیهان اندیشه*، شماره ۵۶، ۱۳۷۳ش.
۳۸. سیدجمال‌الدین اسدآبادی و عبدالرحمان کواکبی، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سید جمال‌الدین اسدآبادی*، ۱۳۸۴ش.
۳۹. تاریخ العلم فی ایران، الماضي والمستقبل والحاضر، *مجله علمی پژوهشی تاریخ علم*، شماره ۴.
۴۰. ظاهره ولایه العهد فی الاسلام و مصادرها، *دراسات فی العلوم الانسانیه*، شماره ۲، ۱۴۲۷ق.
۴۱. تأثیر معتقدات دینی بر نگرش تاریخی مورخان مسلمان بر پایه مقدمه‌های آنان، *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
۴۲. فعالیت‌های مذهبی کارملیت‌ها در ایران عصر صفوی، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۱، ۱۳۹۰ش.
۴۳. تحول اصطلاح ساراسن و کاربست آن در میان اروپائیان تا سده سیزدهم میلادی، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۸، ۱۳۹۲ش.
۴۴. پروانگی در نظام اداری سلجوقیان روم، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۱۵، ۱۳۹۳ش.
۴۵. تأثیر عوامل جغرافیای طبیعی در سیاست‌های عمرانی نهاد حاکمیت؛ مطالعه موردی سازه‌های آبی خوزستان در نخستین سده‌های اسلامی، *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، شماره ۱۴، ۱۳۹۳ش.
۴۶. فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کارملیت در ایران عصر صفوی، *پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی*، شماره ۱، ۱۳۹۱ش.
۴۷. روابط دانشگاهی ایران و ترکیه، *مجله آیدین لیک* ترکیه، ۲۰۰۱م.
۴۸. ارائه مقاله و سخنرانی در کنگره بین‌المللی علم و تکنولوژی در جهان اسلام، ۱۳۷۲ش، دانشگاه تهران.
۴۹. ارائه سخنرانی و مقاله با عنوان «سیدعبدالرحمان کواکبی و سیدجمال‌الدین اسدآبادی» در کنگره بین‌المللی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، ۱۳۷۵ش، تهران.
۵۰. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «خلیج فارس در منابع تاریخی و جغرافیای اسلامی» در کنگره جزیره کیش و خلیج فارس در فرهنگ و ادب پارسی، ۱۳۷۵ش، کیش.
۵۱. ارائه مقاله و سخنرانی در کنگره امر به معروف و نهی از منکر، ۱۳۷۳ش، تهران.
۵۲. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «تمدن اسلامی، گذشته، حال و آینده» در میزگرد فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۸۲ش، آنکارا.
۵۳. ارائه مقاله در کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات پالی در دانشگاه دهلی، ۱۳۸۳ش.

۵۴. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «نقش آب در تکوین تمدن‌ها بر اساس قرآن کریم» در کنگره بین‌المللی فرهنگ آب، آکادمی علوم کومینگ، چین، ۱۳۸۴ ش.
۵۵. ارائه مقاله و سخنرانی در چهلمین کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در آکادمی علوم بوداپست، ۱۳۸۵ ش.
۵۶. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «تاریخ العلم فی ایران، الماضي، الحاضر و المستقبل» در کنگره بین‌المللی تاریخ علم، مقر یونسکو در پاریس، ۱۳۸۴ ش.
۵۷. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «زندگی و زمانه مولوی» در همایش بین‌المللی مولانا، دانشگاه کمپلوتنسه، مادرید، ۱۳۸۶ ش.
۵۸. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «نقش زن مسلمان در بالندگی تمدن اسلامی» در همایش جایگاه زن در ادیان الهی، دانشگاه کردبا، کردبای اسپانیا، ۱۳۸۶ ش.
۵۹. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «بازشناسی میراث تمدنی ایران در اسپانیای اسلامی» در دو هفته فرهنگی ایران در بیتوریا، اسپانیا، ۱۳۸۷ ش.
۶۰. ارائه مقاله و سخنرانی در چهل‌ویکمین کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در دانشگاه آوتونومای مکزیک، مکزیکوسیتی، ۱۳۸۷ ش.
۶۱. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «ابن‌سینا پزشک یا فیلسوف» در کنفرانس بین‌المللی ابن‌سینا و ابن‌رشد در دانشگاه کمپلوتنسه، مادرید، آذرماه ۱۳۸۷ ش.
۶۲. ارائه مقاله و سخنرانی در کنفرانس «نگاهی به تاریخ و فرهنگ ایران» در دانشگاه آوتونوما، مادرید، ۱۳۸۸ ش.
۶۳. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «میراث فرهنگی و تمدنی اصفهان» در دانشگاه اوریولا، اسپانیا، ۱۳۸۸ ش.
۶۴. ارائه سخنرانی با عنوان «نقش اندیشمندان ایرانی در گسترش تمدن اسلامی» در شهرک دانشگاهی المعرفة، دبی، ۱۳۹۰ ش.
۶۵. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «بحث فی رویه التاریخیه عند المورخین المسلمین» در دانشگاه سلطان شریف بروئی، بروئی دارالسلطان، ۱۳۹۰ ش.
۶۶. ارائه مقاله با عنوان «ریشه‌های شرقی هنر اسلامی در اسپانیا» در انستیتوی آموزش و تحقیقات آتن، یونان، ۱۳۹۱ ش.
۶۷. ارائه مقاله با عنوان «نقش آل‌بویه در گسترش تشیع در ایران» در موسسه تحقیقات آسیایی کلمبو، سریلانکا، ۱۳۹۲ ش.
۶۸. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «آموزش تاریخ در ایران، فرصت‌ها و تهدیدها» در دانشگاه بغداد، بغداد، ۱۳۹۲ ش.

۶۹. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «تاریخ الفی پلی میان تاریخنگاری ایران و هند» در کنفرانس بین‌المللی دامنه و اهمیت منابع تاریخی ایران و هند، در دانشگاه علیگره، هندوستان، ۱۳۹۳ش.
۷۰. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «علل و عوامل شکوفایی و رکود تمدن اسلامی»، در چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهران، ۱۳۹۳ش.
۷۱. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «تقابل و تعامل مبلغان کارملیت و شیعیان» در دانشگاه بارسلون، اسپانیا، ۱۳۹۶ش.
۷۲. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «ویژگی‌های حکومت سربداران» در دانشگاه آوتونوما، مادرید، اسپانیا، ۱۳۹۵ش.
۷۳. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «میراث هنری و فرهنگی ایران در اسپانیای اسلامی» در انستیتو ایران‌شناسی وین، اتریش، ۱۳۹۶ش.
۷۴. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «روابط دانشگاهی ایران و ایتالیا» در نخستین دور گفتگوهای ایران و ایتالیا، رم، ۱۳۹۵ش.
۷۵. ارائه مقاله و سخنرانی با عنوان «نقش هنر در گسترش و تداوم فرهنگی ایران و ایتالیا» در دومین دور گفتگوهای فرهنگی ایران و ایتالیا، رم، ۱۳۹۶ش.

76. The role of Water in the formation of civilization as stated by holy Qoran,
77. La contribucion de IRAN a la formacion de la civilización islámica, *Iranologia* 2008,1.
78. Avicena : medico o filosofo , *Iranologia II* ,2009.
79. The role of Hilla School in the extension of Islamic theology , *International Research Journal of Applied and Basic Sciences* ,2013.
80. Factors and Grounds of Formation of Hillah Literary Movement and its Effects and Results, *International Research Journal of Applied and Basic Sciences* , 2013.
81. Religion And Persian Miniature, *Kufa Review*,7/2014.
82. The Role of Jondishapour medical school in the formation and evolution of medical science in Islamic civilization, Budapest, Hungary,2006.
83. Politics,Religion and Culture in Iran during Buwayhid dynasty,Negombo, Srilanka , 2012.

سیداحمد رضا خضری، افزون بر کتب و مقالات فوق، هدایت بیش از یک صد پایان نامه و رساله در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در دانشگاه های معتبر ایران، تنوع زبانی در آثار پژوهشی، تسلط بر زبان های کردی، عربی، انگلیسی و اسپانیولی و نیز حضور مؤثر در مجامع و کنگره های علمی داخلی و خارجی را در کارنامه خود دارد.

سوابق اجرایی

۱. رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی زنجان؛
۲. معاون اداری و مالی دانشکده الهیات دانشگاه تهران؛
۳. رایزن فرهنگی ایران در اسپانیا؛
۴. مدیرکل حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه تهران؛
۵. مشاور رئیس دانشگاه تهران؛
۶. عضو هیأت تحریریه *مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، از ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ ش؛
۷. مدیر مسئول *ماهنامه مدت* دانشگاه تهران، از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ ش؛
۸. مدیر مسئول *مجله تاریخ و تمدن ملل اسلامی*، از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ ش؛
۹. عضو هیأت تحریریه *مجله اسلام پژوهی*، از ۱۳۸۵ ش تاکنون؛
۱۰. عضو هیأت تحریریه *مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی* دانشکده الهیات دانشگاه تهران، از آغاز تا کنون؛
۱۱. عضو هیأت تحریریه *مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام* انجمن ایرانی تاریخ اسلام، از آغاز تاکنون؛
۱۲. عضو هیأت تحریریه *مجله علمی پژوهشی فصلنامه تاریخ اسلام*، از ۱۳۸۸ ش تاکنون؛
۱۳. عضو هیأت تحریریه *مجله علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام*، از آغاز تا کنون؛
۱۴. مدیر مسئول *مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام*، از ۱۳۹۵ ش تاکنون؛

۱۵. مدیر مسؤول و سردبیر مجله *پژوهش‌نامه* تاریخ تشیع، از ۱۳۹۵ش تاکنون؛
۱۶. سردبیر مجله علمی پژوهشی *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، از ۱۳۹۵ش تاکنون؛
۱۷. راه‌اندازی دفتر دانش‌آموختگان دانشگاه تهران؛
۱۸. راه‌اندازی دبیرخانه اجلاس رؤسای دانشگاه‌های برتر ایران و روسیه؛
۱۹. راه‌اندازی دبیرخانه دانشگاه‌های سطح یک ایران؛
۲۰. برنامه‌ریزی و همکاری به منظور برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و پژوهشی مختلف در دانشگاه؛
۲۱. جلب همکاری و پشتیبانی خیران و دوستداران دانشگاه برای احداث و بازسازی فضاهای کالبدی دانشگاه؛
۲۲. برگزاری همایش‌های متعدد با هدف ارزیابی نقش دانشگاه تهران در تاریخ ایران؛
۲۳. برگزاری نمایشگاه دستاوردهای برجسته دانشگاه در عرصه دانش و فناوری؛
۲۴. برنامه‌ریزی برای برگزاری جشنواره‌های دانشجویی و دانشگاهی؛
۲۵. ریاست ستاد بزرگداشت هفتادمین و هشتادمین سال تأسیس دانشگاه تهران؛
۲۶. عضو هیأت‌مدیره انجمن دوستی ایران و اسپانیا؛
۲۷. عضو هیأت مؤسس و هیأت مدیره انجمن ایرانی تاریخ؛
۲۸. عضو هیأت‌مؤسس و رئیس دوره‌ای انجمن ایرانی تاریخ اسلام؛
۲۹. مسؤول بازطراحی دروس تاریخی دانشگاه بغداد به درخواست آن دانشگاه؛
۳۰. دبیر اجلاس مشترک رؤسای دانشگاه‌های سطح یک کشور.
۳۱. مشاور وزیر علوم و مدیر کل حوزه وزارتی وزات علوم، تحقیقات و فناوری.

جوایز علمی

۱. کسب جایزه اثر برگزیده به مناسبت تألیف و تدوین کتاب *Iranologia1* به زبان اسپانیولی در شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ش؛

۲. کسب جایزه پژوهش برگزیده به مناسبت تألیف کتاب *تاریخ تشیع ۱۷۰۲* در چهارمین دوره کنگره دین پژوهان؛
۳. کسب جایزه اثر برگزیده به مناسبت تألیف کتاب *Persia* به زبان اسپانیولی در بیست و یکمین جشنواره کتاب‌های برتر دانشگاهی در سال ۱۳۹۱ ش؛
۴. کسب جایزه پنجمین جشنواره کتاب دین و پژوهش‌های برتر، برای تألیف کتاب *تشیع در تاریخ*؛
۵. کسب عنوان پژوهشگر برتر در ششمین جشنواره بین‌الملل دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ ش.

نتیجه‌گیری

جایگاه مهم و موقعیت جغرافیایی و نیز اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دیار گروس، به عنوان یکی از اجزای اصلی ساختار تقسیمات کشوری غرب ایران از اوایل دوره صفوی تا اواسط دوره پهلوی، و نقش‌آفرینی‌اش در تحولات تاریخ ایران در این مقطع، بستری فراهم کرد تا نامورانی از آن در عرصه فرهنگ و سیاست ایران ظاهر شوند و به تبع خود، نام این خطه را نیز، بیشتر در تاریخ این کشور پررنگ کنند. سیداحمد رضا خضری تاریخ‌پژوهی برخاسته از این دیار است که مستظهر به پشتوانه غنی فرهنگی و سیاسی زادگاهش و با تکیه بر قابلیت‌ها و توانایی‌های شخصی‌اش، در آسمان علم و فرهنگ ایران درخشیده است. او در مقام یک چهره دانشگاهی بلندمرتبه و تمام‌عیار و آموزگاری نکته‌سنج، عمرش را همه در کار دانش‌اندوزی و دانش‌گستری گذرانده و با دو بال شاگردپروری در کلاس درس و شاگردنوازی و نویسندگی و پژوهش‌های جامع، متنوع و ژرف در عرصه تاریخ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، در آسمان فرهنگ ایران ارتفاع گرفته و در مقام یک خادم عرصه فرهنگ، نامش را به جرگه میزبانان نیکنام تاریخ ایران افزوده است. این آموزگار شفیق و مورخ امین و محقق دقیق، از سر دلسوزی و دردمندی، به کنشگری نظری قانع نشده و به وقت ضرورت و به قدر ضرورت، ردای استادی از تن درآورده و از رهگذر مساهمت در صدارت محیط‌ها/عرصه‌های علمی و فرهنگی، درعمل نیز، برای قدر دیدن و بر صدرنشاندن قلم و اهل قلم، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
۲. خضری، سیداحمد رضا، بهرامی‌نیا، امید (۱۳۹۸ش) «ابزارهای مورد استفاده در مجازات مجرمان در ایران سده‌های میانه» *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۴۲، صص ۲۹ - ۶۰.
۳. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۸۴ش) *تاریخ تشیع ۱*، تهران: سمت.
۴. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۸۴ش) *تاریخ تشیع ۲*، تهران: سمت.
۵. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۹۱ش) *تشیع در تاریخ*، تهران: معارف.
۶. خضری، احمد رضا (۱۳۸۲ش) سخنرانی با عنوان «تمدن اسلامی، گذشته، حال و آینده» میزگرد فرهنگ و تمدن اسلامی، آنکارا.
۷. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۸۸ش) «حمودیان و تشیع در اندلس»، *مطالعات تاریخ اسلام*، صص ۶۱ - ۷۶.
۸. خضری، سیداحمد رضا، پات، فریبا، مظاهری، مهرانگیز (۱۳۹۰ش) «خوشنویسی در آغاز عصر صفوی: تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، شماره ۱، صص ۳۳ - ۴۸.
۹. خضری، سیداحمد رضا، قائدان، اصغر، آینه‌پور، ستار (۱۴۳۳ق) «دور اماره اردلان فی الصراع الصفوی العثماني»، *دراسات فی العلوم الانسانیة*، شماره ۲، صص ۱۷ - ۳۰.
۱۰. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۹۱ش) سخنرانی با عنوان «ریشه‌های شرقی هنر اسلامی در اسپانیا»، انستیتوی آموزش و تحقیقات آتن، یونان.
۱۱. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۸۴ش الف) «سیاست و حکومت از دیدگاه ابوحنیفه» *مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی*، صص ۳۲۹ - ۳۳۸.
۱۲. خضری، سیداحمد رضا و حسینی، سیدسعید (۱۴۰۲ش) «مناسبات طریقت‌های نقشبندیه و قادریه در کردستان پس از مولانا خالد شهرزوری»، *تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۶۰، صص ۸۹ - ۱۱۰.
۱۳. خضری، سیداحمد رضا و حلیمه جعفرپور نصیر محله (۱۳۹۳ش) «موسیقی در دربار خلفای عصر اول عباسی» *هنرهای زیبا*، شماره ۲، صص ۱۷ - ۲۴.
۱۴. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۸۴ش) سخنرانی با عنوان «نقش آب در تکوین تمدن‌ها بر اساس قرآن کریم» کنگره بین‌المللی فرهنگ آب، آکادمی علوم کومینگ، چین.
۱۵. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۹۰ش الف) سخنرانی با عنوان «نقش اندیشمندان ایرانی در گسترش تمدن اسلامی»، شهرک دانشگاهی المعرفة، دبی.
۱۶. خضری، سیداحمد رضا (۱۳۸۶ش) سخنرانی با عنوان «نقش زن مسلمان در بالندگی تمدن اسلامی»، همایش جایگاه زن در ادیان الهی، کردبای اسپانیا.
۱۷. دینوری، احمد بن داوود (۱۳۶۸ش)، *اخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر، قم: منشورات رضی.
۱۸. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش) از کوچه رندان، تهران: امیرکبیر.
۱۹. _____ (۱۳۷۶ش) *حکایت همچنان باقی*، تهران: سخن.
۲۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶ش) *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۱. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵ش) *کلیات سعدی*، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
۲۲. شهیدی، سیدجعفر «برگ‌هایی زرین از دفتر زندگی زرین‌کوب یا خاطراتی چند» *درخت معرفت: جشن‌نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب*، به کوشش علی‌اصغر محمدخانی، تهران: سخن.
۲۳. غزالی، ابوحامد (۱۴۰۳ش) *زاد آخرت*، به کوشش سلمان ساکت و ملیحه گزی مارشک، قم: ادبیات.
- کریمی، بهمن (۱۳۱۶ش)، *جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران*، تهران: چاپخانه فرهنگ.
- کوشا، محمدعلی (۱۳۸۴ش)، *سیمای بیجارگروس*، تهران: سیروان.
- لوئیس، هری (۱۳۹۶ش) *نگاهی انتقادی به دانشگاه هاروارد*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۸۲ش)، *تاریخ مشاهیر کرد*، تهران: سروش.
- مسعودی، علی بن حسین (بی‌تا)، *التنبیه والاشراف*، به کوشش عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره: دارالساوی.

مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹ش)، *تجارب/لامم*، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.

منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد (۱۳۴۷ش) *دیوان منوچهری دامغانی*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی زوار.

نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن (۱۳۹۸ش) *سیاست‌نامه*، به کوشش هیوبرت دارک، تهران: علمی و فرهنگی.

وفایی، افشین، فیروزیان، مهدی (۱۳۹۶ش) *نامه‌های محمدعلی فروغی*، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.

وقایع نگار کردستانی، علی‌اکبر (۱۳۸۱ش)، *حدیقه ناصری و مرآت‌الظفر در تاریخ و جغرافیای کردستان*، تهران: توکلی.